

مهتر

نشریه دانشجویی نبض
شماره ۱۶۲ - ویژه نامه
بسیج دانشجویی دانشکده گان فنی
دانشگاه تهران

تغییر بزرگ * هفتادوپنج سال مقاومت
بهای بیداری را که پردازد؟ * آغوش جاودان مقاومت



سَنُصَلِّي

ویژه نامه طوفان الاقصی



فهرست

صفحه ۳

تغییر بزرگ

علیرضا آخوندی

صفحه ۴

هفتادوپنج سال مقاومت

فاطمه خرد پیشه

صفحه ۸

بهای بیداری را که پردازد؟

فاطمه زهرا برومندنیا

صفحه ۱۰

آغوش جاودان مقاومت

نیکو شاه کرمی



 @utnabz

 @ut_nabz

 @utnabz

 nabz_daneshgah

نابز ۱۶۲
برونده ویژه طوفان الاقصی
صاحب امتیاز بسیج دانشجویی دانشکدگان فنی دانشگاه تهران
مدیر مسئول علیرضا راجعی
سر دبیران مهدی اصابتی، فاطمه شاه حسینی

مسئله سخت بود که چگونه تمام قدرت نظامی‌شان به سخره گرفته شده بود، آن‌هم با مدیریت یک سردار بدون تحصیلات آکادمیک به اسم قاسم سلیمانی. این شکست‌ها و گرفتاری‌های آمریکا در منطقه حامل پیامی روشن برای جهانیان بود: آمریکا آن چیزی نیست که در هالیوود نشان می‌دهند.

آمریکا نیز بیکار نمانده بود، برای جلوگیری از شکست خودش کارهای زیادی کرد. گروه‌های مسلح به وجود آورد و در کشورهای مختلف به قول خودشان انقلاب و ناامنی به راه انداخت؛ اما دیوار جهان تک قطبی آمریکا شروع به ترک خوردن کرده بود. پس از گذشت ۳ دهه از ادعای جرج بوش بهتر است شرایط حال حاضر را کمی بررسی کنیم. اندیشه مقاومت به بقیه نیز جرات رویارویی با آمریکا را داده است. روسیه نقاب هماهنگی با آمریکا را که پس از فروپاشی شوروی

حدود ۳۰ سال پیش جرج بوش پدر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، سرخوش از به زانو در آوردن شوروی و پایان جنگ سرد و در میانه جنگ اول خلیج فارس، فاتحانه و به سان پادشاهان قدیم، سخنرانی‌ای ایراد کرد که خلاصه‌ی آن را می‌توان در این یک پاراگراف دید:

« آنچه در خطر است بیش از یک کشور کوچک است. این یک ایده بزرگ است: نظم نوین جهانی که در آن ملت‌های مختلف با هدف مشترک برای دستیابی به آرزوهای جهانی بشر، صلح و امنیت، آزادی و حاکمیت قانون گرد هم می‌آیند»

در پس این سخنرانی مقالات نوشته شد و کتاب‌هایی همچون پایان دنیای فوکویاما به رشته تحریر درآمد که همه خبر از جهانی تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده و مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی می‌داد. تمام شواهد و تحلیل‌ها نیز به نفع آن‌ها بود. آمارهای اقتصادی و اوضاع سیاسی جهان همه چیز را به سود آمریکا و همراهانش نشان می‌داد. در دیدگاه آن زمان آمریکایی‌ها، کسانی همچون صدام حسین یا کمونیست‌های یوگوسلاوی فقط مگس‌هایی مزاحم برای حاکمیت جهانی آن‌ها بودند که در نهایت زیر پا له می‌شدند. اما همان وقت مردی در ایران یک هفته پس از آن سخنرانی جرج بوش پیش‌بینی کرد که این ادعاها مانند کف روی آب محو خواهد شد.

«قدرت اینها، آن نیست که تبلیغ و وانمود می‌کنند؛ آن نیست که می‌خواهند ملت‌ها آن را باور کنند. اینها، ضعیف‌تر از این حرف‌هایند. بنابراین، همه‌ی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها در آفریقا و آسیا و در همه‌ی مناطق دیگر عالم، حتی آن جایی که مسلمانان در اقلیت هستند، می‌توانند در مقابل آمریکا بایستند و از تحمیل‌ها شانه خالی کنند»

بیانات در دیدار مهمانان خارجی بزرگداشت دهه فجر، ۱۳۶۲/۱۱/۱۷

به صورت زده بود برداشته و شروع به تهدید منافع آمریکایی‌ها می‌کند. دیگر از آن روسیه هماهنگ با اروپا خبری نیست و تضمینی برای توقف آن‌ها در اوکراین وجود ندارد. چین مستقیماً به حاکمیت اقتصادی آمریکایی‌ها حمله کرده در عین حال که همیشه برای تهدیدات نظامی آن‌ها در تایوان نیز آماده است. جبهه متحدان آمریکا نیز دیگر یکدستی سابق را ندارد و سیاستمداران ضد غرب و ملی‌گرا در کشورهای مانند ایتالیا و آلمان در حال قدرت‌گرفتن هستند. در آفریقا نیز مردم روش‌های خاص خود مانند مردم گابن و نیجر، کشورشان را از نفوذ غرب آزاد می‌کنند. محور مقاومت به حدی رسیده که آتش گشودن به پایگاه‌های آمریکا در منطقه تبدیل به روتین هفتگی آن‌ها شده و سید حسن نصرالله رهبر یک گروه در لبنان مستقیماً آمریکایی‌ها را تهدید کرده و قدرت دریایی و هوایی آن‌ها را به تمسخر می‌گیرد. در آفریقا کشورها یکی پس از دیگر به شیوه خودشان حاکمان غربی را برکنار کرده و خود را از کشتی در حال غرق شدن غربی‌ها پیاده می‌کنند. دیگر خود آمریکایی‌ها هم کم‌کم دارند متوجه می‌شوند حاکمیت جهانی‌ای که حاکمانشان به آن‌ها وعده می‌دادند چیزی جز تبلیغاتی پر سر و صدا نبوده. در این سال‌ها که جبهه علاقه‌مندان آمریکا اینگونه در حال کوچک شدن است، برخی افراد مدعی سواد و تحصیلات نیز همچنان مسحور پروپاگاندای آمریکایی‌ها هستند و کورکورانه ندای تسلیم در برابر آمریکا سر می‌دهند. و این انقلاب اسلامی و رهبر آن است که ثابت و استوار همانند ۴۰ سال گذشته پوچ و توخالی بودن ادعاهای آمریکایی‌ها را فریاد زده و آن‌ها را قدم به قدم به سمت لبه‌ی پرتگاه تا نابودی کامل تمدن غرب و ایجاد یک نظم جدید جهانی هدایت می‌کند.

می‌گویند زمان بهترین قاضی است. آمریکایی‌ها در آن زمان هیچ کشوری را قادر به رویارویی با رویای خود نمی‌دیدند. به زعم خودشان قدرت نظامی‌شان در دنیا هیچ رقیبی نداشت و با اشاره رئیس‌جمهورشان می‌توانستند دولت‌ها را در هر کجای دنیا یک شبه سرنگون کرده و مچ شوروی را نیز خوابانده بودند. اما پوچ بودن ادعاهایشان یکی از پس از دیگری ثابت شد. زمانی که بحث انسان‌ها و ایمان و اراده‌شان به میان بیاید تمام محاسبات مادی ارزش خود را از دست می‌دهند. اندیشه مقاومت که جمهوری اسلامی آن را تبلیغ و نمایندگی می‌کرد قرار نبود با محاسبات مادی آن‌ها پیش برود.

زمان گذشت و نوبت به پسر همان جرج بوش رسید که با اندیشه مقاومت رو به رو شود. آن‌ها فهمیده بودند که خاورمیانه به ساز آن‌ها نخواهد رقصید و به خیال خودشان می‌خواستند با جنگ نظامی که وزیرخارجه‌شان از آن به عنوان درد زایمان خاورمیانه جدید یاد کرد، نقشه منطقه را عوض کرده و حاکمیت‌ها و مرزها را به نفع خودشان تغییر دهند. اما اندیشه مقاومت سستی آن ماشین نظامی پرهیاهو را به یکباره به رخ جهانیان کشید. حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و حماس در سال ۲۰۰۸ توانستند مزدور پردعای غربی‌ها را سر جای خود بنشانند و در کنار آن‌ها مقاومت عراق و افغانستان پا را فراتر گذاشته و خود آمریکایی‌ها را هدف قرار می‌داد. برای آمریکایی‌ها درک این

هفتاد و پنج سال مقاومت



در سال ۱۹۸۲ رژیم اشغالگر با فرماندهی آریل شارول عملیات جنگی تحت عنوان «صلح (!) در جلیلیه» را با هدف نابودی گروه‌های مقاومت فلسطین به ویژه فتح و بیرون راندن فلسطینیان از لبنان آغاز کرد اما نیروهای مقاومت لبنان که الگوی پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را در پیش‌روی خود داشتند، در سال ۱۹۸۳ با شروع سلسله عملیات‌هایی چریکی علیه مواضع آمریکا، اسرائیل و فرانسه پس از تحمیل خسارات مالی و تلفات انسانی، آن‌ها را مجبور به عقب‌نشینی و کفایت به اشغال ۱۰ درصد از خاک لبنان کردند.

مقاومت فلسطین توسط گروه‌های مختلف از اولین روزهای اشغال در دهه چهل میلادی آغاز شد، اما کم‌روحیه مبارزاتی فلسطینیان با انگیزه‌های ملی‌گرایانه و در انتظار حمایت‌های عربی و ورود شوروی به عنوان قدرت شرق در برابر قدرت غرب فروکش کرد؛ چرا که با توجه به دست‌نشانده بودن حکومت‌های عربی و مواضع غیردینی و قدرت‌طلبانه شوروی، کمک به فلسطین در اولویت آن‌ها قرار نداشت. بنابراین از دهه ۵۰ میلادی به بعد شکل مبارزه این گروه‌ها به کنفرانس حقوقی و تشکیل حزب و سازمان‌های قانونی تغییر یافت. به این ترتیب رژیم صهیونیستی که قصد داشت اسلام را از زندگی و مبارزه فلسطینی‌ها حذف کند، در گام اول موفق شد گروه‌های مبارز را به قواره گروه‌های غربی و با ایدئولوژی آن‌ها درآورد و دیگر صحبتی از اسلام و اعتقاد دینی نشد. در گام بعد با توجه به اختلاف سلیقه گروه‌های فلسطینی که هر یک وابسته به یکی از دولت‌های عربی بودند، روحیه مبارزه‌جویی آن‌ها به سمت درگیری‌های داخلی کشیده شد.

۱۹۸۴

۱۹۸۲

۱۹۷۸

۱۹۴۸

حزب الله لبنان با تقید کامل به مبانی اسلامی، یک الگوی تازه و واقعی از رفتار اسلامی بروز داد و با حفظ وحدت ملی میان گروه‌های مختلف مسیحی و دروزی و شیعه و سنی ساکن لبنان، هوشیارانه از دام درگیری‌های داخلی کناره گرفت و تمرکز و توانش را در راه مبارزه با اسرائیل خرج کرد. در این میان مقاومت فلسطینیان نیز دوباره به سمت مبارزه عقیدتی رفت و گروه جهاد اسلامی به رهبری فتحی شقاقی در اوایل دهه ۸۰ میلادی تشکیل شد که با توجه به تالیفات شقاقی مثل «امام خمینی، تنها گزینه» و «شیعه و سنی، دعوای ساختگی» جهاد اسلامی را یک گروه بر پایه ایدئولوژی امام خمینی می‌دانند.

با امضای قرارداد صلح کمپ‌دیوید بین مصر و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۸، قضیه فلسطین به نفع اشغالگران پایان یافته به نظر می‌رسید تا اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ معادلات قبلی استعمار را تغییر داد. حمایت سابقه‌دار امام خمینی(ره) از فلسطین به همراه تحویل سفارت اسرائیل در تهران به یاسر عرفات، رئیس تشکیلات فلسطینی فتح، به جهان یادآور شد که قضیه فلسطین برای مسلمانان قابل چشم‌پوشی نیست. در چنین فضایی و با آزادسازی خرمشهر، در حالی که ایران از نظر موازنه قدرت نظامی قابل مقایسه با رژیم بعث و حامیان غربی آن نبود، مشخص شد که در مبارزه عقیده اسلامی با تجهیزات نظامی، پیروزی از آن مسلمانان شهادت‌طلب است.



مردم فلسطین در سال ۱۹۸۷ با مرور خاطرات چندین دهه اشغالگری و دلسردی به این نتیجه رسیدند که اولاً راهی جز مبارزه ندارند؛ دوم اینکه امیدی به سران عرب و گروه‌های مختلف نیست؛ سوم اینکه تنها راه و نقطه امید اعتقادات دینی و اسلامی خودشان است؛ و نهایتاً اینکه حتی با نبود یک رهبری منظم و مستقل، بر هر فردی واجب است که به هر شکلی می‌داند و می‌تواند با دشمن مبارزه کند

گروه «حرکة المقاومة الاسلامیة» و به اختصار حماس نیز در فضای ناشی از انتفاضه اول فلسطین تشکیل شد و در میثاق‌نامه‌ای که در سال ۱۹۸۸ منتشر کرد، حساب خود را از دیگر گروه‌های ملی‌گرا جدا و تصریح نمود که هدفش اعتلای اسلام در سطح جهان و نیز در همه نقاط فلسطین است. مردم فلسطین در سال ۱۹۸۷ با مرور خاطرات چندین دهه اشغالگری و دلسردی به این نتیجه رسیدند که اولاً راهی جز مبارزه و قیام ندارند؛ دوم اینکه امیدی به سران عرب و گروه‌های مختلف نیست؛ سوم اینکه تنها راه و نقطه امید اعتقادات دینی و اسلامی خودشان است؛ و نهایتاً اینکه حتی با نبود یک رهبری منظم و مستقل، بر هر فردی واجب است که به هر شکلی می‌داند و می‌تواند با دشمن مبارزه کند.

سال ۲۰۰۰ در حالیکه نخست‌وزیر وقت اسرائیل، پس از شکست و عقب‌نشینی کامل از لبنان مورد انتقاد مردم خود بود، آرئیل شارون وزیر دفاع او به خیال جبران شکست در لبنان با انبوهی از نیروهای امنیتی وارد حریم مسجد الاقصی شد. او پس از واکنش‌های بین‌المللی و فلسطینی به تعرض به مسجد الاقصی گفت: «همه این مکان‌ها برای ماست و من به باراک یادآور شدم که قدس به هیچ وجه قابل تجزیه نیست و الی الابد در دست ما خواهد ماند.» تعرض به مقدس‌ترین نماد اسلامی-فلسطینی، سرخوردگی از صلح تشکیلات خودگردان (فتح) با اسرائیل، تداوم سرکوب، فقر و بیکاری و توسعه شهرک‌سازی‌ها باعث شد که تظاهرات مردم از قدس به دیگر شهرهای کرانه باختری و غزه و حتی سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ که کاملاً تحت سلطه اسرائیل هستند، برسد و انتفاضه الاقصی آغاز شود.

۱۹۸۸

۱۹۹۳

۲۰۰۰

۲۰۰۴

در این انتفاضه که ۲ سال در اوج بود، عملیات‌های استشهادهای و جهادی زیادی صورت گرفت که با واکنش رژیم اشغالگر روبه‌رو شد، اما هیمنه تبلیغاتی رژیم را شکست و علاوه بر اینکه در اذهان جهان به عنوان یک رژیم متجاوز و نژادپرست شناخته شدند؛ مهاجرت معکوس نیز از اسرائیل در پی تامین نشدن وعده رفاه و امنیت به یهودیان سراسر دنیا، برای اولین بار پس از تشکیل رژیم صهیونیستی شدت گرفت. در غزه عملیات‌های جهادی علیه رژیم ادامه یافت تا جایی که در سال ۲۰۰۴ رژیم صهیونیستی اعلام کرد هزینه مالی، نظامی، پرسنلی و امنیتی برای زندگی معدودی شهرک نشین در غزه به صرفه نیست و قدرت انتفاضه و مبارزه مردمی، نوار غزه را به اولین سرزمین فلسطینی تبدیل کرد که ۳۸ سال پس از روز نکبت ۱۹۴۸ و اشغال فلسطین، اسرائیل را وادار به فرار و عقب‌نشینی از غزه کرد.

به این شکل انتفاضه اول که به انتفاضه سنگ معروف است، با خاتمه یافتن تشییع جنازه شهدای فلسطینی به شکل حملاتی با سنگ و چوب به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی آغاز شد. در نتیجه‌ی انتفاضه اول اعتقاد دینی و وحدت مردمی دوباره در فلسطینیان زنده شد و برای اشغالگران ضررهای اقتصادی، ایجاد دودستگی، شکست سیاست سرکوبگری و رسیدن به بن بست را به دنبال داشت. با وجود اینکه انتفاضه سنگ در پی مذاکرات صلح منتهی به پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ متوقف شد اما تحرکات گروه‌های مقاومت اسلامی ادامه یافت تا اینکه به حرکتی عظیم‌تر و سرنوشت‌سازتر یعنی انتفاضه دوم و آزادسازی غزه منتهی شد.



در سال ۲۰۰۴ رژیم صهیونیستی اعلام کرد هزینه مالی، نظامی، پرسنلی و امنیتی برای زندگی محدودی شهرک‌نشین در غزه به صرفه نیست و قدرت انتفاضه و مبارزه مردمی، نوار غزه را به اولین سرزمین فلسطینی تبدیل کرد که ۳۸ سال پس از اشغال فلسطین، اسرائیل را وادار به فرار و عقب‌نشینی از آن کرد.

رژیم اشغالگر در سال ۲۰۰۲ با هدف تخریب اردوگاه جنین با این ادعا که جنین مرکز فعالیت حماس، جهاد اسلامی و شاخه نظامی فتح در کرانه باختری است، به این اردوگاه حمله کرد. اما روحیه مقاومت علاوه بر غزه حالا در عمق کرانه هم ریشه دوانده بود و قابل سرکوب نبود.

انتفاضه سوم که پس از جریان بهار عربی به شکل مردمی و در سراسر سرزمین‌های اشغالی جریان یافت، با پروژه‌های عادی‌سازی مثل پیمان آبراهام و یهودی‌سازی قدس در معاهده قرن و تعرض گروه‌های افراطی صهیونیست به مسجد الاقصی در سال ۲۰۲۰ شدت پیدا کرد. در پی این پیمان‌ها روابط عربی-اسرائیلی آشکار شد. پیامد این رویداد برای مقاومت فلسطین، استقلال بیشتر از گروه‌های خارجی و «خود اتکایی فلسطینی» بود. انتفاضه سوم دو تفاوت با انتفاضه‌های قبلی داشت؛ اول اینکه گروه‌های مقاومت در کرانه باختری ساختاریافته‌تر و مسلح شدند و اغلب عملیات‌های استشهادی با سلاح گرم صورت گرفت؛ دوم اینکه غزه علاوه بر اینکه الگوی آزادسازی برای دیگر سرزمین‌های فلسطینی بود، نقش حامی‌ای مجهز به موشک و سلاح‌های سنگین برای کرانه باختری و به خصوص مقاومت جنین و نابلس را ایفا کرد.



۲۰۲۱

در سال ۲۰۲۱ برای اولین بار و به عنوان یک نقطه عطف تاریخی نیروهای مقاومت غزه در پاسخ به فریاد کمک‌خواهی اهالی قدس در پی تصاحب خانه‌های محله شیخ جراح، آغاز کننده یک حمله به رژیم صهیونیستی در قالب جنگ «سیف القدس» بودند. این جنگ که ۱۱ روز طول کشید هویت ملی فلسطینیان در بخش‌های جدا افتاده فلسطین از یکدیگر احیا کرد و وزن سیاسی و نظامی جریان مقاومت را به خصوص در مقابل تشکیلات خودگردان افزایش داد. همچنین برای اولین بار تصویر پیروز همیشگی که رژیم اشغالگر در اذهان کشورهای عربی و مردم خود ساخته بود، فروپاشید. پس از این جنگ، آتش انتفاضه سوم با اقدامات افراطی رژیم صهیونیستی شعله‌ورتر شد و ۲ گروه «کتیبه جنین» و «عربین الاسود» در کرانه باختری با اکثریت اعضا ۱۸-۲۵ ساله که نسل Z فلسطین شناخته می‌شوند مبارزه مسلحانه را به طور جدی دنبال کردند.

۲۰۲۰

۲۰۰۷

حماس به دلیل نقش موثرش در آزادسازی غزه انتخاب مردم فلسطین در انتخابات قانون‌گذاری سال ۲۰۰۶ بود اما تشکیلات خودگردان که رسماً به نمایندگی رژیم صهیونیستی تبدیل شده زیر بار نتیجه انتخابات نرفت و کرانه باختری تحت کنترل تشکیلات خودگردان و غزه تحت کنترل حماس در آمد. رژیم صهیونیستی نیز که همواره ادعا داشت بزرگ‌ترین دموکراسی خاورمیانه است، این انتخاب مردم غزه را تحمل نکرد و از سال ۲۰۰۷ و با محاصره کامل نوار غزه آن را به بزرگ‌ترین زندان روباز جهان تبدیل کرد. اما به این محاصره برای شکستن اراده مردم غزه اکتفا نکرد و جنگ‌هایی را علیه غزه در سال های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ با هدف نابود کردن مقاومت و در درجه بعد ایجاد شکاف بین مردم و مقاومت آغاز کرد که همگی با محقق نشدن این اهداف و متحمل شدن هزینه برای رژیم اشغالگر به نوعی شکست منتهی شد و بازدارندگی به نفع غزه به وجود آورده بود.

۲۰۰۲



«آرزو می‌کنم روزی بیدار شوم و ببینم غزه توسط دریا بلعیده شده است!» این جمله از اسحاق رابین، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر به خوبی بیانگر رابطه میان رژیم صهیونیستی و غزه است؛ در حالی که غزه چون خاری در چشم اشغالگران است ولی آنها هیچ ابتکار عملی برای مقابله با مقاومت غزه ندارند.



این غافلگیری در کنار وضعیت نابسامان سیاسی در سرزمین های اشغالی به سردرگمی و نهایتاً جنونی در رژیم صهیونیستی تبدیل شد که در یک بن‌بست سیاسی و نظامی تنها می‌تواند با کشتار غیرنظامیان و کودکان و ایجاد فشار روانی و اختلاف بین مقاومت و مردم غزه برای خود پیروزی‌سازی کرده و از این چالش بیرون بیاید. اما پیروزی مقاومت در ساعات آغازین عملیات تثبیت شد چرا که پیروز نهایی جنگ‌ها را محقق شدن اهداف هر یک از طرفین از ورود به جنگ تعیین می‌کند و اهداف حماس از آغاز حمله ۷ اکتبر همگی محقق شدند:

رژیم صهیونیستی برای سرکوب این جریان‌ها دست به ترور هسته‌های رهبری این گروه‌ها و دستگیری گسترده افراد وابسته به مقاومت زد اما با اعتصاب غذای این زندانیان و اصطلاحاً جنگ شکم های خالی «معركة الأمعاء الخاوية» روبه‌رو شد. جهاد اسلامی نیز هشدار داد که اگر این افراد بر اثر اعتصاب به شهادت برسند مقاومت غزه سکوت نخواهد کرد که این هشدار پس از شهادت خضر عدنان منتهی به جنگ انتقام آزادگان «ثار الاحرار» شد. در این جنگ نیز مثل سیف القدس رژیم صهیونیستی نتوانست در طولانی مدت در جنگ بماند پس از ۵ روز و با ارسال پیام‌های آتش‌بس از طرف مصر به مقاومت غزه و پس از ترور ۱۱ فرمانده جهاد اسلامی در غزه در حالی که سعی می‌کرد تصویری پیروزمند از خود بسازد، از جنگ خارج شد.

اردیبهشت

آبان...

- ۱- شکست هیمنه نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی
- ۲- انتقام از یگان غزه ارتش رژیم صهیونیستی برای کشتار فلسطینیان در راهپیمایی بازگشت مارس ۲۰۱۸
- ۳- پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی و شهرک‌نشینان مسلح به اهالی کرانه باختری و مسجد الاقصی
- ۴- بازگرداندن فلسطین به اولویت قضایای جهان اسلام و تثبیت حق انحصاری مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی
- ۵- اثبات دوباره کارایی مقاومت و مبارزه مسلحانه

در تمام درگیری‌هایی که بین مقاومت فلسطینی و رژیم اشغالگر گذشت -به جز در جنگ رمضان ۱۹۷۳ که جنگ ارتش‌های عربی با اسرائیل بود- همواره آغازگر جنگ رژیم صهیونیستی بود و یا در غیر اینصورت هشدارهایی در مورد ساعت آغاز حمله مقاومت به سرزمین‌های اشغالی اعلام می‌شد. اما در «طوفان الاقصی» که در پی تشدید اقدامات نژادپرستانه دولت راست افراطی علیه مردم فلسطین در کرانه باختری و تعرض به مسجد الاقصی و مرابطان آن در ایام مذهبی یهودیان صورت گرفت، رژیم صهیونیستی با وجود هشدارهایی که از ۹ ماه قبل از طرف مقاومت به آن‌ها داده شده بود، سرویس‌های امنیتی و جاسوسی که تمام تحرکات فلسطینیان را پیگیری می‌کنند و مانورهایی که توسط نیروهای مقاومت در مرز سرزمین‌های اشغالی و غزه انجام می‌شد؛ کاملاً غافلگیر شد.





بهای بیداری را که پردازد؟

فاطمه زهرا برومندیا، ورودی ۱۴۰۰ مهندسی کامپیوتر

در ۴۰ روز گذشته، تصاویر مخابره شده از نوار غزه، مردم سراسر جهان را در حالت انفجار قرار داده است. غرق شدن در دروغها، پروپاگاندا و موج‌های تظهِرکننده رژیم صهیونیستی برای هر وجدان ذره‌ای بیدار دیگر ممکن نیست. به همین علت در سرتاسر جهان و به ویژه اروپا، با وجود ممانعت دولت‌های غربی در اشکال مختلف-که تصاویر برخورد خشن پلیس و ایجاد انواع محدودیت‌های تحصیلی و شغلی برای معترضین از آشکارترین آنهاست- تجمع‌های حمایتی از مردم فلسطین برگزار می‌شود و روزبه‌روز بر تعداد جمعیت حاضر و خشم و خروش آن افزوده می‌شود.

در این بین می‌توان از اعتراضات مردمی شنبه ۱۱ نوامبر در اروپا و به ویژه در لندن مثال زد، علی‌رغم اینکه پلیس رفتن به سمت سفارت‌های آمریکا و اسرائیل را ممنوع کرده بود، جمعیت نزدیک به نیم‌میلیون نفر در تجمع، به سمت سفارت‌ها سرازیر شده و با سر دادن شعار Palestine will be Free, from river to the sea، خواستار پایان یافتن آنی این جنون و جنایت شدند. یا ایرلندی‌ها که در عرض

۱۶ ساعت، با ارسال یک‌ونیم میلیون ایمیل به نمایندگان پارلمان و سپس

تجمع روبه‌روی پارلمان و سفارت اسرائیل، قاطعانه خواستار تحریم اقتصادی اسرائیل، صدور فراخوان رسمی برای آتش‌بس و اخراج سفرای اسرائیل از کشورهای اتحادیه اروپا شده‌اند.

این تحرکات حالا دیگر کاملا سروشکل یک مبارزه مدنی خستگی‌ناپذیر، خودجوش و سرنشاندنی به خود گرفته؛ یک روز پرفورمنس اعتراضی پرستاران و کارکنان در فیلادلفیا، روز دیگر توسط مسافران در راه‌آهن اسلو و فردایش در یک ورزشگاه در کویت. در نقطه‌ای کارکنان و نمایندگان کمپین برنی سندرز -سناتور آمریکایی چپ‌گرا- در حال دستگیر شدن روبه‌روی محل کارش جنایات و آلوده بودن دست‌های او به خون فلسطینیان را فریاد می‌کشند و نقطه‌ای دیگر دانشجویان سخنرانی نیکی هیلی در دانشگاه تگزاس را با فریادهای Haley Haley

اما در کنار همه تجلیل‌ها و تقدیرهایی که از این تحرکات جهانی در حمایت از فلسطین داریم، این پرسش جای تامل دارد که غرض و مطالبه‌ی حرکت‌های مختلف جهانی در حمایت از فلسطین مشخصاً چیست؟ آیا این اغراض و مطالبه‌ها یکسان است؟ و اینکه آیا یکی‌بودن این اغراض اهمیتی ندارد و صرف تشخیص ظالم و مظلوم، جنایتکار و بی‌گناه و دیده‌شدن و اکوشدن این واقعیت در سطح گسترده ولو با نیات و اهداف متفاوت مهم است؟

این پرسش هنگامی ضرورت خود را نشان می‌دهد که بدانیم حرکت‌ها در هر زمینه‌ای اگر ناظر به اغراض مشترک نباشند، در مطالبه‌گری متفاوت خواهند شد. و اگر در مطالبه‌گری متفاوت شوند، در مسیر تحقق اغراض‌شان از هم فاصله خواهند گرفت. و در نهایت آن غرضی تحقق می‌یابد که زور بیشتری (چه در گفتمان، چه در میدان) داشته باشد. نه آن چه ما می‌خواهیم.

حال برای افکار عمومی که قرار است پشتوانه حرکات جهانی برای

افکار عمومی که پشتوانه حرکات جهانی برای حمایت از فلسطین می‌شوند، در نهایت چه چیز را از دولت‌هایشان مطالبه خواهند کرد؛ توقف جنگ و برقراری آتش‌بس؟ تشکیل دو دولت مستقل؟ یا مقاومت حداکثری تا حذف کامل رژیم صهیونیستی؟

پرسستاران و کارکنان در فیلادلفیا، روز دیگر توسط مسافران در راه‌آهن اسلو و فردایش در یک ورزشگاه در کویت. در نقطه‌ای کارکنان و نمایندگان کمپین برنی سندرز -سناتور آمریکایی چپ‌گرا- در حال دستگیر شدن روبه‌روی محل کارش جنایات و آلوده بودن دست‌های او به خون فلسطینیان را فریاد می‌کشند و نقطه‌ای دیگر دانشجویان سخنرانی نیکی هیلی در دانشگاه تگزاس را با فریادهای Haley Haley

پرسستاران و کارکنان در فیلادلفیا، روز دیگر توسط مسافران در راه‌آهن اسلو و فردایش در یک ورزشگاه در کویت. در نقطه‌ای کارکنان و نمایندگان کمپین برنی سندرز -سناتور آمریکایی چپ‌گرا- در حال دستگیر شدن روبه‌روی محل کارش جنایات و آلوده بودن دست‌های او به خون فلسطینیان را فریاد می‌کشند و نقطه‌ای دیگر دانشجویان سخنرانی نیکی هیلی در دانشگاه تگزاس را با فریادهای Haley Haley

پرسستاران و کارکنان در فیلادلفیا، روز دیگر توسط مسافران در راه‌آهن اسلو و فردایش در یک ورزشگاه در کویت. در نقطه‌ای کارکنان و نمایندگان کمپین برنی سندرز -سناتور آمریکایی چپ‌گرا- در حال دستگیر شدن روبه‌روی محل کارش جنایات و آلوده بودن دست‌های او به خون فلسطینیان را فریاد می‌کشند و نقطه‌ای دیگر دانشجویان سخنرانی نیکی هیلی در دانشگاه تگزاس را با فریادهای Haley Haley

پرسستاران و کارکنان در فیلادلفیا، روز دیگر توسط مسافران در راه‌آهن اسلو و فردایش در یک ورزشگاه در کویت. در نقطه‌ای کارکنان و نمایندگان کمپین برنی سندرز -سناتور آمریکایی چپ‌گرا- در حال دستگیر شدن روبه‌روی محل کارش جنایات و آلوده بودن دست‌های او به خون فلسطینیان را فریاد می‌کشند و نقطه‌ای دیگر دانشجویان سخنرانی نیکی هیلی در دانشگاه تگزاس را با فریادهای Haley Haley

حمایت از فلسطین قرار بگیرد، چقدر درکی نزدیک به درک جبهه مقاومت از صحنه ایجاد شده است؟ چه نسبتی از این مردم، صحنه این جنگ را مرزبندی و نبرد بین حق و باطل می‌بینند؟ چقدر از این واکنش‌ها صرفاً عکس‌العمل به رخداد جنایت است، ترحم و تقاضای پایان‌دادن به فجایع انسانی است و چقدر درک متفاوت و بالاتری از صرف وقوع جنایات جنگی و انسانی برای آن‌ها حاصل شده است؟ و در نهایت چه چیز را از دولت‌هایشان مطالبه خواهند کرد؟

در واقع در این موقف، لایه‌لای شعارها، پلاکاردها و فریادها باید بیندیشیم مطالبه‌ی ملت‌های جهان از دولت‌هایشان برای ورود و انجام اقدام در این فاجعه از چه زاویه و با چه نگاهی است، از چه مبنایی نشئت گرفته و کدام تصمیم می‌تواند این ملت‌ها را آرام کند؟ چه

و برلین گرفته تا قلب آمریکای جنوبی. از میدان التحریر تا دانشگاه هاروارد- در جهت نگاه ما به مقاومت در اندیشه انقلاب اسلامی کرده‌ایم؟ در واقع، ما در این زمین آماده چه بذری کاشته‌ایم؟ پاسخ به نظر ساده است: هیچ.

تا اینجا هر آن چه از بیداری ملل جهان و پیروزی نسبی در میان افکار عمومی جهانی می‌بینیم، به نظر می‌رسد تنها به بهای خون کودکان و مظلومان غزه به دست آمده است.

در این فضا، چقدر تلاش شده که موضع مظلومیت و ترحم‌برانگیزی صرف غلبه نکند، بی آن که از مقاومت روایتی استوار و حماسی بسازد؟ چقدر نشان داده‌ایم که سقوط هرروزه بمب و موشک از آسمان بر سر این مردم یک فاجعه و حادثه نیست، بلکه مقاومت این مردم



نماز وحدت - مرز اردن

چیز این عطش را فرو خواهد نشاند؟

توقف جنگ و برقراری آتش‌بس؟ تشکیل دو دولت مستقل با لویج و نظارت‌های سفت و سخت بین‌المللی؟ یا مقاومت حداکثری تا حذف کامل رژیم آپارتاید صهیونیستی؟

پس مشخص است که در این نقطه احتمالاً صرف تشخیص ظالم و مظلوم چیزی را حل نخواهد کرد؛ بلکه آنچه مهم است غرض این حمایت از مظلوم خواهد بود. اینکه تصور کنیم صرف کثرت و تکثیر روایت مظلومیت‌ها و جنایات در جای جای جهان و بلندشدن صدا از آن موجب نفرت از ظالم و شکل‌گیری اراده برای متوقف کردن ظالم خواهد شد در افقی کوتاه درست است،

اما فهم و حرکتی را برای افق‌های بلند ایجاد نخواهد کرد.

برای مثال، نسبت قابل‌توجهی طوفان‌الاقصی را به اسم حمله حماس در ۷ اکتبر محکوم می‌کنند، حق دفاع برای رژیم صهیونیستی قائلند و به نظرشان باید پاسخ داده می‌شد ولی بین مردم غزه و جبهه مقاومت خط آشکاری می‌کشند. از نظر اینان حماس و دیگر گروه‌های مقاومت نوچه و حلقه‌به‌گوشان ایران هستند و

تقاضایشان این است که در این بین غیرنظامی‌ها تاوان پس ندهند و کشته نشوند و جنایت انسانی پایان یابد. در مقابل، دیدی است که این گروه‌ها را نیروهای اصیل و مستقلاً که به پا خاسته‌اند و تبدیل به جبهه‌ای برای تحقق اراده مردم کشورشان شده‌اند می‌بیند. سوال مهمی که بعد از فکر کردن به مسئله بالا باید پرسید آن است که ما چه تلاشی برای همسو کردن این انرژی و صدای بلندی که از گلوئ میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان به گوش می‌رسد - از لندن، رم

یک «انتخاب» و «اراده» آگاهانه و شجاعانه است که سال‌هاست به سمت آن شتابان حرکت کرده‌اند، حال از به ثمر رسیدن آن پیروزمندند و حاضرند در راهش با حلاوت مرگ را در آغوش کشند؟ چه زمان باید بازنمایی پرقدردن از مقاومت را شروع کنیم؟

درد بالاتر می‌گیرد وقتی بیندیشیم که در این برهه، صورت‌بندی رسای ما از مفهوم مقاومت و نه به سازش، چقدر می‌توانست برای بی‌تابی و سرخوردگی فعلی مردم جهان نسخه علاج حقیقی درد باشد و قدمی برای هدایت آن به سمت مجرای حقیقی‌اش بردارد.

یا تحرکات مردمی ما - اگر پررنگ بودند و قوت داشتند - می‌توانست دعوتی باشد از گروه‌های مختلف

کنشگر مردمی و جوانان بی‌تاب‌شده خصوصاً در اردن و دیگر کشورهای جهان عرب، تا با وجود سران خیانتکار و ترسوی خود نیروهای ملی مستقل آرمانخواه شکل دهند و نهایتاً گستره جبهه مقاومت را در سرزمین و اقلیم خود تکمیل کنند.

حال اینجا باید پرسید که یک؛ کلان روایت فعلی ما از صحنه نبرد، از مقاومت و تصویری که از شکل ایستادن و حمایت از آرمان فلسطین

بیندیشیم که در این برهه، صورت‌بندی رسای ما از مقاومت و نه به سازش، چقدر می‌توانست برای بی‌تابی و سرخوردگی فعلی مردم جهان نسخه علاج حقیقی درد باشد.

می‌سازیم چیست؟

دو؛ این روایت و تصویر بالذات چقدر قابلیت مطرح‌شدن در سطح ملی و سپس جهانی را دارد؟

و سه؛ این روایت چقدر یارای آن دارد که با دیگر روایت‌های حاضر فعلی -مانند جدا دیدن مردم و اراده‌شان از گروه‌های مقاومت- معارضه کند و خود افقی جدید گشاید؟



آخوش جاودگان مقاومت

نیکو شاه‌کریمی، ورودی ۱۴۰۱ مهندسی شیمی

است که سال‌های سال روح مقاومت را در کالبد مردمان این سرزمین دمیده‌اند. مبارزه زنان فلسطینی تا به حال اشکال گوناگونی داشته است.

این زن یک روز فاطمه برناوی بوده، پلیس زنان تاسیس کرده، به معضلات زندانیان و فقرا پرداخته و مانند لیلی خالد و بسیاری از زنان مبارز دیگر، عملیات انجام داده و در نهایت شهید شده است.

این زن روزی جمعیت‌های خیریه برای رسیدگی به وضعیت نابه‌سامان هم‌وطنانش تاسیس کرده و در انتفاضه اول با برپا کردن تنورهای قدیمی خانگی و برگزار کردن کلاس درس برای کودکان در خانه‌ها، تحریم روستاها و اردوگاه‌ها توسط صهیونیست‌ها را شکسته است.

این زن برای همسرش بزرگ‌ترین

دلگرمی و موثرترین مشوق برای نترسیدن و جنگیدن بوده است و روزگاری که مادر بوده، لایلی استقامت در گوش فرزندان خوانده است.

فیلم‌هایی که امروز از صحبت‌های کودکان فلسطینی در کنار خانه‌های فروریخته از بمباران می‌بینیم که با لحنی استوار، از مقاومت و پیروزی حرف می‌زنند تبلور همین روح زنانه است.

واژه مبارزه، از ریشه‌ی بَرَز ساخته شده، که به معنای ظاهر شدن پس از کتمان است. با این تعریف، دقیق‌ترین مصداقی که برای مبارزه می‌توان یافت، فلسطین است و تلاشی که مردمش برای کتمان نشدن می‌کنند.

شاید بزرگ‌ترین ظلم به مبارزه آن است که صرفاً مسلحانه تعریفش کنیم. نتیجه این فرض غلط می‌شود آنکه در اذهان برخی، به جز

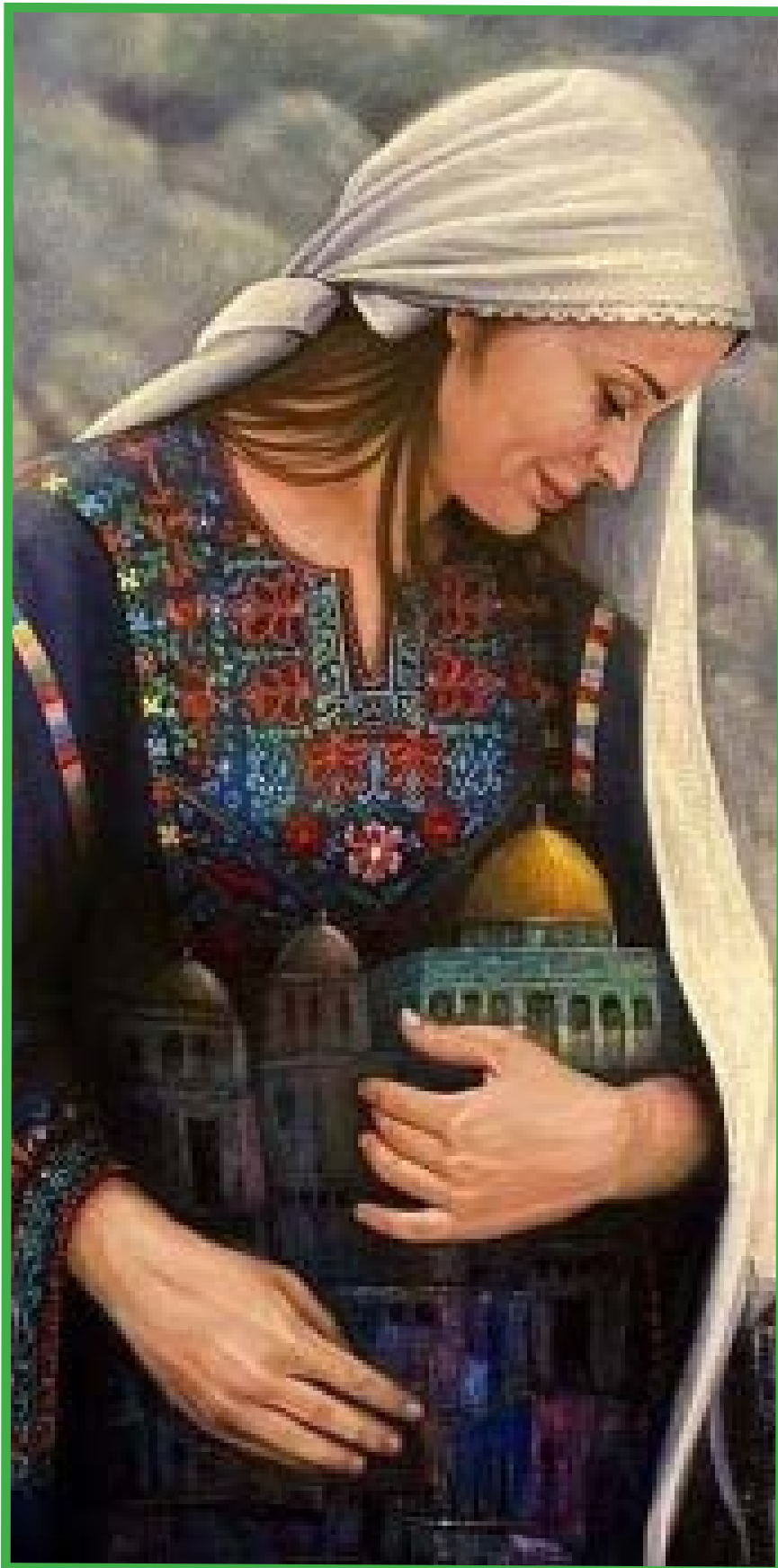
اباعبدالله (ع) بقیه ائمه اطهار آن‌طور که باید مبارز نبوده‌اند!

فرزندان این ظلم دوشاخه شدند؛ گروهی کوتاه‌بین که مبارزه را مردانه پنداشتند و زیر لب زنان مسلح را مذمت کردند؛ و گروهی از مشتقات فریب‌خورده‌ی آنان، که زن

اسلحه به دست را به مناسبت نائل آمدن به مقام مردانگی (!) ارزشمند خواندند و بقیه زنان را بی‌قدر کردند.

اینکه به راستی زن کجای دایره «ظاهر شدن پس از کتمان و تلاش و پیکار» ایستاده، پیش از هر جا در فلسطین -مهد مبارزه- معلوم است. حدود صد سال است که فلسطینیان، از روزی که سرزمین زیتون از عثمانی جدا شد و به چنگ انگلیسی‌ها افتاد، در برابر اشغال سرزمین‌شان مقاومت کرده‌اند و امروز پس از قریب به یک قرن ظلم و اشغال و خونریزی، چنان با انگیزه و امیدوار می‌جنگند، گویی سال ۱۹۴۸ است و روز نکبت همین دیروز بوده است. این خسته نشدن و در طی نسل‌ها، امیدوارانه قوی‌تر شدن و پیشرفت کردن و این تسلیم نشدن بی‌سابقه که به معجزه می‌ماند، ید بیضای زنان فلسطینی

این خسته نشدن و در طی نسل‌ها، امیدوارانه قوی‌تر شدن و پیشرفت کردن، ید بیضای زنان فلسطینی است که سال‌های سال روح مقاومت را در کالبد مردمان این سرزمین دمیده‌اند.



ایمان به وعده نصرت الهی را به فرزندانش آموخته و در دامانش نسل مبارز تربیت کرده است. فیلم‌هایی که امروز از صحبت‌های کودکان فلسطینی در کنار خانه‌های فروریخته از مباران می‌بینیم که با لحنی استوار، از مقاومت و پیروزی حرف می‌زنند نشان دهنده همین موضوع هستند.

خلاصه که زن در طول تاریخ فلسطین بنا به خصوصیات و ویژگی‌های فردی و شخصی‌اش جای خود را در پازل مبارزه علیه استکبار پیدا کرده است. همانند که در این بین برخی تفکرات اجر زن را ضایع کرده‌اند. میدان مبارزه را اگر فقط به خط مقدم محدود کنیم بخش عظیمی از زنان و حتی مردان پشت جبهه قرار می‌گیرند و حالا باید برای سرخورده نشدن و دیده شدن آنها تلاش و برنامه‌ریزی کرد؛ غافل از اینکه در مبارزات عمیق و طولانی مدت، عامل تعیین کننده تسلیحات و نیروی نظامی نیست، قوت روحی طرفین ماجراست و میدان مبارزه تا کوچک‌ترین و دورترین خانه‌ها هم گسترده شده است.

زنان فلسطینی هریک با روش مختص به خود، چه با تربیت خانواده، چه با فعالیت نظامی و... همه یک نتیجه واحد را رقم زده‌اند: ساخت فرهنگ مقاومت و رشد دادن درخت اراده و ایمان؛ که البته بخش عظیم این فرهنگ ابتدائاً در فضای خانه و خانواده ساخته می‌شود و سپس شاخه‌های این درخت در فضای جامعه شکوفه می‌زنند.

با تعریفی که اکنون از معنای مبارزه و گستردگی میدان‌ش داریم، زن را در متن و مرکز مبارزه، و ایفا کننده نقش‌های موثر و پررنگ می‌بینیم. پیش از این واژه «زن مبارز» یا تصویر یک زن مسلح را در ذهن ایجاد می‌کرد که ناقص بودنش ما را در درستی آن به شک می‌انداخت، یا هرچه می‌گشتیم، تصویر درستی نمی‌یافتیم و جای آن را خالی می‌گذاشتیم. حال اما، قاب بزرگ تمامی زنان فلسطینی، تصویر درستی است از آنچه که باید. زنانی که سال‌هاست بر علیه کتمان شدن هویت دینی و ملی شان تلاش می‌کنند و روح مقاومت را در جامعه‌شان جاری کرده‌اند.